



رئیس بانک مرکزی اعلام کرده

خرید و فروش طلا در پلنفرم‌ها بعد از ساعات اداری، ممنوع است!



نان از نزاع

درباره خبر تشکیل «اتاق وضعیت عفاف و حجاب» و بسیج ۸۰ هزار نیرو



صادق زنگنه

نویسنده و پژوهشگر سیاسی

«جنگ ۱۲ روزه که تمام شده بود، اوایل یک نسیم خوبی داشت می‌وزید، یک دفعه این نسیم قطع شد.» این سخن تلخ حسن روحانی، رئیس‌جمهور سابق، نه یک گلایه سیاسی ساده، که روایتی دقیق از یک فرصت‌سوزی بزرگ است. او به‌درستی اشاره می‌کند که در بزنگاه خطر، این ملت بود که به میدان آمد و «در کنار ایران ایستادند نه در کنار حاکمان». اما گویی عده‌ای، که نان‌شان را از تنور همین پاسخ‌های برعکس به خواسته‌های مردم بر سر سفره می‌برند، تاب وزیدن این نسیم وفا را ندارند و مصرانه به سراغ آزموده‌های خطا می‌روند.

خبر تشکیل «اتاق وضعیت عفاف و حجاب» و بسیج ۸۰ هزار نیروی آموزش‌دیده توسط ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان تهران، مصداق بارز همین بازگشت به بد اخلاقی‌های پیشین و نادیده گرفتن آن سرمایه‌ی بی‌بدیل است؛ طرحی با بی‌زیبایی مدلی به‌ظاهر جدید که در باطن، تکرار همان آزمون‌های خط‌خورده‌ی گذشته است. تنها عنوان «قرارگاه» به «اتاق» تبدیل شده است. دبیر ستاد امر به معروف تهران، از رویکردی «فرهنگی، اجتماعی، نخبگانی و مردمی» و مقابله‌ای «هوشمند، چندلایه و مبتنی بر داده» سخن می‌گوید. اما این واژگان سوده، در کنار سازوکارهای اجرایی اعلام شده، رنگ می‌بازند. قرار است ارتشی ۸۰ هزار نفری از آمران به معروف و بیش از چهار هزار مری، با بودجه‌ای که گفته می‌شود بیشتر از «مشارکت‌های مردمی» تامین خواهد شد، به میدان بیایند.

ببیاید لحظه‌ای خوش‌بین باشیم و فرض کنیم این نیروها کاملاً دواطلبانه و بدون دریافت هیچ‌گونه مزدی فعالیت می‌کنند. در این صورت با پدیده‌ای شگفت‌انگیز از ۸۰ هزار شهروند مواجهیم که معاش خود را رها کرده و تمام‌وقت به افتناع دیگران در خیابان و فضای مجازی مشغولند اما اگر واقع‌بین باشیم و برای هر کدام از این نیروها، حتی یک حق الزحمه‌ی حداقلی مثلاً نفری ۱۰ میلیون تومان (کمتر از حقوق اداری کار) در نظر بگیریم، با بودجه‌ای نجومی ۸۴۰ میلیارد تومانی روبه‌رو خواهیم شد که صرف پروژه‌ای می‌شود که بارها شکست آن به اثبات رسیده است. تلخ‌تر آنجاست که ادعای «مذاکره اقناعی» در کنار ابزارهای دیگری قرار می‌گیرد که هیچ نسبتی با اقناع ندارد. آقای مؤمن‌نسب به‌صراحت می‌گوید که با استفاده از ظرفیت‌های حقوقی، سازمان‌بازرسی، دیوان محاسبات، دادستانی و پلیس فتا، نهادها را به اجزای وظایف‌شان «ملزم» خواهند کرد و گزارش‌های مردمی برای «برخورد قانونی» ارسال خواهد شد. این دقیقاً همان سازوکار اجبار و فشار قانونی است که پیش از این نیز آزموده شده و جز ایجاد دوقطبی و تعمیق شکاف میان مردم و حاکمیت، نتیجه‌ای در بر نداشته است. اگر واقعاً «فنون مذاکره اقناعی» کارساز است، چرا در شهریور ۱۴۰۱ پس از آن، مسیر دیگری پیموده شد؟ این تناقض آشکار نشان می‌دهد که رویکرد فرهنگی، تنها پوششی برای همان اهداف سخت‌افزاری گذشته است. اما این بازگشت به روش‌های تقابل‌زا، پیامدهای خطرناک‌تری در عرصه کلان و دیپلماسی نیز به همراه دارد. این تصمیم می‌تواند دو معنای نگران‌کننده داشته باشد. نخست آنکه به این نتیجه رسیده‌اند که خطر جنگ و تهدید خارجی به کلی رفع شده و دیگر نیازی به آن وقاف ملی و همبستگی مردمی که در بزنگاه‌های تاریخی به کمکش آمد، ندارد. در این نگاه، انسجام داخلی یک نیاز تاکتیکی است نه یک اصل راهبردی.

اما نتیجه دوم می‌تواند بسیار فاجعه‌بارتر باشد. شاید کسانی که در انتظار فرصتی مناسب برای جنگی دیگر هستند، در یک استراتژی هوشمندانه، عمادانه از تنش نظامی فاصله گرفته تا حکومت به ذات خود بازگردد و با از سرگیری جدال با مردم، خود را از درون تضعیف کنند. این یک تله‌ی خطرناک است؛ آنها بیرون مرزها به نظاره می‌نشینند تا انرژی حکومت صرف تقابل با جوانان خود شود، شکاف‌ها عمیق‌تر گردد و آن سرمایه‌ی اجتماعی که ضامن بقای ملی است، ذره‌ذره فرسایش یابد. در چنین شرایطی، هرگونه اقدام خارجی در آینده، نه با سدی از اتحاد ملی، که چه بسا با بی‌تفاوتی و حتی استقبال بخشی از جامعه‌زخم‌خورده روبه‌رو شود.

در نهایت، طرح «اتاق وضعیت حجاب» بیش از آنکه راه‌حلی برای یک مسئله فرهنگی باشد، نشانه‌ی یک سردرگمی استراتژیک است. اصرار بر روش‌های شکست‌خورده و نادیده گرفتن پیام‌های آشکار جامعه، نمتنها به ترویج عفاف و حجاب منجر نخواهد شد، بلکه با هدر دادن منابع و نابود کردن آخرین رشته‌های اعتماد، کشور را در برابر تهدیدات واقعی آسیب‌پذیرتر می‌کند. به نظر می‌رسد به جای رصد خیابان‌ها، باید در اتاق‌های وضعیت استراتژیک کشور، این سوال اساسی را پرسید: آیا با دست‌خود، در حال فراهم کردن شرایط برای تحقق نقشه‌های دشمن نیستیم؟

«متأسفانه احضار نهادهای خارج از دانشگاه همیشه وجود داشته، گاهی کم و گاهی زیاد. به‌ویژه در دوره جنگ برخی از دانشجویان به دلیل اظهارنظرها در فضای مجازی یا گروه‌های دانشجویی، تماس‌هایی از بیرون دانشگاه داشتند. این موضوع درباره فعالان دانشجویی در گذشته وجود داشته و هنوز به قوت خود باقی است. یک‌ماه پس از جنگ شدت آن زیاد شده بود و دانشجویانی که فعالیت تشکیلی یا سیاسی خاصی نداشتند هم تنها به دلیل اظهارنظر شخصی از این تماس‌ها مصون نبودند.» او درباره شیوه‌نامه انضباطی مصوب سال ۱۴۰۱ نیز تاکید کرد: «تقریباً آبان ۱۴۰۱ بود که شیوه‌نامه انضباطی مصوب شد. دو ماه پس از آغاز دولت چهاردهم، این شیوه‌نامه لغو شد و شیوه‌نامه ۱۳۹۸ مقرر شد. در شیوه‌نامه ۱۴۰۱ به نهادهای مختلف اجازه می‌داد که فضای مجازی دانشجویان را بررسی و آنها را بازخواست کنند. اصل عدم تجسس نیز در آن حذف شده بود. علاوه بر آن در این شیوه‌نامه انضباطی (۱۴۰۱) تاکید شده بود برای تشکیل گروه‌های دانشجویی حتی با اعضای کم باید مجوز دریافت شود. هر چند در یک سال گذشته این شیوه‌نامه اصلاح شد، اما در دانشگاه شریف تا همین یکی، دو ماه پیش همچنان ادامه داشت و بعد از جنگ شدت گرفت. با حضور مدیریت جدید هنوز معلوم نیست که این شیوه‌نامه ادامه دارد یا خیر.» در پاسخ به این پرسش که در سال ۱۴۰۱ افرادی از بیرون دانشگاه وارد فضای دانشگاه شدند، هنوز این مورد وجود دارد؟ گفت: «مستندات قطعی در این باره وجود ندارد، اما همواره شایعاتی مطرح بوده است مبنی بر اینکه برخی افراد در بدنه حراست یا بخش‌های دیگر در درون دانشگاه، با بیرون دانشگاه و نهادهای بیرونی ارتباط مستقیم دارند. اگر چه شواهدی برای این ادعا وجود داشته، اما نمی‌توان به‌صورت رسمی آن را تأیید یا تکذیب کرد. اما شروع این موضوع به ۱۰ مهر ۱۴۰۱ برمی‌گردد که نیروهای امنیتی وارد دانشگاه شدند و اتفاقات بعدی رخ داد و به ۱۰ مهر شریف «معروف شد.»

❖ خالص‌سازان همچنان در دانشگاه می‌تازند

علی محمد حاضری، عضو انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها نیز در گفت‌وگو با هم‌میهن تاکید کرد: «آقای پزشک‌یان رویکرد وفاقی را مطرح کرده‌اند و معتقدند که همه



کارشناسی باید مسائل را حل کنیم. اگر رقبا و شرکای ایشان همین نگاه را داشتند، می‌شد با این شعار و رویکرد واقعاً عمل کرد. اما متأسفانه رقبای ایشان جریان‌هایی هستند که همچنان کاملاً به شعار «خالص‌سازی» وفادارند و به آن ادامه می‌دهند و صرفاً از شعار وفاقی آقای پزشک‌یان به عنوان وسیله‌ای برای تداوم نقش و حضور خود استفاده کرده‌اند.» او افزود: «با وجود شکست جریان‌های رقیب آقای پزشک‌یان در انتخابات باید در دستگاه‌های اجرایی دست آنها کوتاه می‌شد. اما شعار وفاقی آقای پزشک‌یان کمک کرده که نه تنها دستشان کوتاه نشود، بلکه همچنان پرنفوذ و در بسیاری موارد با دست بالا حضور داشته باشند. آنها ضمن اینکه حضور دارند، به شعار خالص‌سازی خود ادامه می‌دهند. یعنی از دید آنها هر کسی که در هر جا از جمله محیط دانشگاه راجع به هر مسئله‌ای نظر کارشناسی و تخصصی مغایر با رویکرد آن جریان داشته باشد، به عنوان عنصر نامطلوب تلقی می‌شود و همچنان در عزل و نصب‌های دانشگاهی، ارتقا و حتی جذب دانشجویان اقداماتی می‌کنند که مشکل ایجاد شود.» به گفته عضو انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها؛ «شاید شدت بر خورده‌های امنیتی دیگر به شکل اخراج از دانشگاه یا بازداشت دانشجویان نباشد، اما قواعد ارتقا، جذب، مسئولیت‌سپاری و قانون مشاغل حساس همچنان بر اساس استانداردها و مقررات تفکر خالص‌سازی به قوت خود باقی است و نهادهایی که برای استعلام‌ها و گزینش‌ها نظر می‌دهند و تصمیم‌گیری می‌کنند، همه بر اساس همان رویکرد خالص‌سازی عمل می‌کنند. لذا اساتید، دانشجویان و هر صاحب‌نظری که بخواهد درباره مسائل تخصصی و کارشناسی کشور نظر خود را صدقانه و اصلاحی و بدون سانسور ابراز کند، می‌داند که دچار مشکل خواهد شد.

گروهی از دانشگاهیان که این شرایط برایشان ناگوار است، به‌ویژه از جهت روحی روانی نمی‌توانند آ‌رمان‌های خود را ابراز کنند و بخش دیگر به لحاظ تنگنای اقتصادی و فشارهای سیاسی، ممکن است ترجیح دهند مهاجرت کنند و ترجیح دهند از این فضا خارج شوند. آنهاهی که می‌مانند، دودسته هستند: یک دسته افرادی که از شدت وفاداری به آب و خاک، میهن، جامعه و فرهنگ شرایط را تحمل می‌کنند اما ناگوار برای آنها باقی می‌ماند. گروه دوم افرادی هستند که همچنان تحت فشار می‌مانند و نمی‌توانند نظرات خود را ابراز کنند. این اتفاقاً خسارات جبران‌ناپذیری ایجاد می‌کند.» علی محمد حاضری گفت: «این نگاه مثبت آقای پزشک‌یان (این است که در دانشگاه‌ها و فضای علمی، مسائل کشور درست شناخته شود، اظهارنظر علمی و صدقانه ارائه شود و راه حل‌های کارشناسی ارائه شود) برای تحقق، نیاز به ملزومات اداری و فضای سیاسی مناسب دارد اما بستر سیاسی آن فراهم نیست. آقای پزشک‌یان مرتب این مسئله را مطرح می‌کنند، اما به لوازم آن کم‌اعتنایی می‌شود و خود ایشان هم آن را جدی نمی‌گیرند و نهادهای دیگر نیز به میزان کافی همراهی نمی‌کنند، این سخن ایشان در حد شعار باقی می‌ماند و عملاً افراد یا مسیر مهاجرت را در پیش می‌گیرند یا دچار خودسانسوری یا حداقل عاقبت‌طلبی می‌شوند تا در دسری برایشان ایجاد نشود.» او افزود: «در بسیاری از مسائل کارشناسی کشور، رقبا تفکر، اندیشه و راه حل کاملاً متفاوتی داشته و روی این تفکر خود مُصر هستند و با کسانی که نظر دیگری دارند، بر خورد می‌کنند. فضای موجود، امکان آزادی تفکر، خلاقیت اندیشه و ارائه راهکارهای اصلاحی بدون سانسور را برای محیط‌های دانشگاهی فراهم نمی‌کند.» عضو انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها درباره اظهارنظر دانشجویان نیز تاکید کرد: «در پوشش و ظاهر دانشجویان رگه‌هایی از گشایش دیده می‌شود، البته این گشایش محدود نه به دلیل فضای دانشگاه، بلکه به دلیل شرایط کنونی کشور در عرصه‌های عمومی، فرهنگی و رفتار شخصی است که به نهادهای مقابل تحمیل می‌شود. البته نه اینکه رقبا به این موضوع رضایت داده باشند، اتفاقاً هر روز حداقل در سطح اظهارنظر در صدد برگرداندن شرایط به سابق هستند. اما این مقدار تغییر حاکی از آن است که در عرصه‌های عمومی فرهنگی و رفتار شخصی تسلط کافی ندارند. البته دولت هم با این سخت‌گیری‌ها همراهی نکرده است. اما این مسئله به حوزه اندیشه و تفکر و رویکردهای حکمرانی در سطوح دانشجویی نیز تسری پیدا نکرده و تقریباً زمینه کنش سیاسی ارزشمند دانشجویان وجود ندارد و در نهادهای دانشگاهی هم به روی آنها باز نیست. یعنی هیچ‌گونه تشکل سیاسی غیر همسو وجود نداشته و انجمن‌ها فعالیت درستی ندارند. به تشکل‌های دیگر هم اسباب آجازه فعالیت نمی‌دهند. این شرایط باعث شده که عرصه سیاسی، اندیشه‌ای و بینشی دانشجویان در رخوت، سکوت و بی‌تفاوتی به سر برسد.»

مرسی گلم، اینطوری کمپین ران نکن

درباره عکسی از بیلبردهای سازمان زیباسازی شهرداری تهران

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار

سازمان زیباسازی شهرداری تهران به منظور فرهنگ‌سازی و مصرف بهینه آب کمپینی به اسم «خیلی گلی، به بستن ادامه بده» راه انداخته است. در حالی که کمپین «خیلی گلی» دعوتی صریح به صرفه‌جویی آب است اما انتخاب تصویر دقیقاً در نقطه مقابل خواست طراحان است. استراتژیست و گرافیست کمپین مصرف بهینه آب تصویر مردی در حال شستن ماشین و زنی در حال شستن ظرف را انتخاب کرده‌اند و در زیر عکس به عنوان کپشن خبر داده‌اند که ملت در تابستان ۱۴۰۴ چهارده و نیم درصد کمتر آب مصرف کرده‌اند. اول اینکه نگارنده به حکم خبرنگار بودن اصولاً دنبال صحت‌سنجی آمارهای منتشرشده است. بنابراین بعد از خواندن این کپشن به دنبال اصل خبر رفته و به حرف‌های سخنگوی صنعت آب کشور رسیدم. عیسی بزرگ‌زاده ضمن اعلام کاهش ۴۰ درصدی ورودی آب به سد‌های کشور گفته بود «اگر همراهی مردم، خط طالقان، ۱۴/۵ درصد کاهش مصرف و برخی تمهیدات نبود آب پایه مردم آسیب می‌دید.» بعد از خواندن حرف‌های آقای سخنگو حقیقتاً متوجه خطر جدی کمبود آب شدم. نکته اما اینکه هنوز خیلی از روزهای تابستان قطع شدن ۲ تا ۳ ساعته آب و برق نمی‌گذرد. به عنوان یک ناظر که در آن ایام در این شهر زندگی کرده‌ام احتمال قریب به یقین علت این کاهش را در کم‌فشار شدن و قطع شدن آب در آن روزهای بیم. بنابراین در شرایط خطرناکی که وضعیت آبی کشور تشویق مردم به کم‌مصرف کردن باید قدرت‌نفوذی بیشتری داشته باشد اما بیابید فلان از مسئله آمار به فرم و محتوای کمپین بپردازیم. مسئله‌ای که در مواجهه اولیه با دیدن تصاویر این کمپین توی ذوق می‌زند تولید تصاویر با هوش مصنوعی است. اگر این را بپذیریم که تصاویری که با هوش مصنوعی تولید می‌شود به لحاظ کیفیت (رزولوشن) در حد مطلوب است اما از نظر پیام‌رسانی و ارتباط انسانی با فاصله زیادی از عکس شکست می‌خورد، در مرحله بعد «پرامیت» یا دستوری است که طراح کمپین به هوش مصنوعی داده است. احتمالاً استراتژیست محترم از هوش مصنوعی خواسته که عکسی تولید کند که در آن از شهروندی که در تابستان آب کمتری مصرف کرده تشکر کند. هوش مصنوعی بی‌نوا هم نه گذاشته و نه برداشته و تصویر مردی که با سطل کف در حال شستن ماشین است را تولید کرده؛ تصویری که از اتفاق ناپذیرتی بی‌توجهی به مصرف بهینه آب را می‌رساند. از طرف دیگر هم برای آنکه جنس اش جور باشد تصویر زنی که وسط ظرف شستن لای کار مانده است را به همراه دسته‌گلی به گردن تولید کرده است. نمی‌خواهم شبیه آدم‌های دمگی که با تکنولوژی مخالفت می‌کنند یا هوش مصنوعی سر سنا سازگاری بگذارم. اما واقعیت این است که استفاده از هوش مصنوعی هم بلدی می‌خواهد. در آخر اینکه، کمپین «خیلی گلی» نمونه‌ای از اجرای ناموفق این روزهای تبلیغات شهری است. در حالی که مهم‌کن است نیت کمپین نویسن و کمپین گذار مثبت باشد اما نتیجه‌ی نهایی بیشتر از اینکه باعث تغییر رفتار شهروندان شود، اسباب خنده و تمسخر است. اگر هدف حقیقی شهرداری ترویج فرهنگ صرفه‌جویی است، لازم بود تصویری از دل واقعیت‌های روزمره و تجربه‌ی واقعی مردم بیرون بیاید، نه از دل هوش مصنوعی و لبخندهای بی‌روح و گردن‌اویزهای گلی.

